



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال هشتم، شماره‌ی ۱۵، نیمه‌ی اول ۱۳۹۲

## تأثیر صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی استان‌های ایران در دوره‌ی ۱۳۸۳-۱۳۸۵

زهرا (میلا) علمی\*

محمدعلی احسانی\*\*

داود جاویدنیا\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۵

### چکیده

در دهه‌های اخیر، با تغییر در ساختار صنعتی کشورها، رشد و گسترش صنایع کوچک و متوسط در استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشورها از جایگاه خاصی برخوردار شده‌است. با توجه به تجربه‌ی موفق کشورهای تازه صنعتی شده، کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی معتقدند که در کشورهای درحال توسعه و توسعه‌ی یافته، بخش خصوصی به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط، عامل مهمی در توسعه‌ی اقتصادی هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این صنایع با کارآفرینی، نوآوری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. به همین دلیل، در ایران، به منظور توسعه‌ی فعالیت‌های اشتغال‌زا، بنگاه‌های خرد و متوسط مورد توجه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، با توجه به این‌که درصد بالایی از واحدهای صنعتی کشور، کوچک و متوسط هستند و بیش از نیمی از شاغلان بخش صنعت را در خود جای داده‌اند این صنایع از اهمیت به‌سزایی برخوردار شدند و می‌توانند نقش اساسی در برنامه‌های آتی توسعه‌ی صنعتی و اقتصادی کشور داشته باشند. به دلیل اهمیت موضوع، در این مقاله، رابطه‌ی میان اندازه‌ی صنایع کوچک و متوسط و رشد اقتصادی استانی در چارچوب مدل رشد سلو تعمیم یافته، با استفاده از داده‌های ترکیبی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۵ و روش داده‌های تابلویی بررسی شده‌است. بر اساس نتایج، رابطه مثبت میان صنایع کوچک و متوسط و رشد اقتصادی استان‌های کشور وجود دارد که دلیلی بر اهمیت این صنایع است.

واژه‌های کلیدی: صنایع کوچک و متوسط، رشد اقتصادی استانی، روش داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: D92, E24, G18, O43

\* نویسنده مسئول - دانشیار گروه اقتصاد نظری دانشگاه مازندران Email: [z.elmi@umz.ac.ir](mailto:z.elmi@umz.ac.ir)

\*\* استادیار گروه اقتصاد نظری دانشگاه مازندران

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران

## ۱- مقدمه

در دو دهه ی اخیر، تغییرات زیادی در بازارهای جهانی رخ داده است. حرکت به سوی منطقه‌ای و جهانی شدن بازارها سرعت گرفته و به موازات آن، دوره ی تولید محوری به انتهای حیات خود رسیده و دوره ی مشتری محوری در حال شکل‌گیری است. تولیدکنندگان صنعتی با هدف استفاده ی بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع با ارزش، تمهیداتی اندیشیده‌اند که نتیجه ی آن، تغییر در ساختار صنعتی است. یکی از مشخصات بارز و اصلی این ساختار، رشد و ترویج صنایع کوچک و متوسط است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط<sup>۱</sup> در کشورهای مختلف جهان دارای شباهت‌های بسیاری هستند، اما با وجود این، نمی‌توان تعریف یکسانی از آن‌ها به دست آورد. هر کشور براساس نوع انتظار از این صنایع و نیز شاخص‌های اشتغال، حجم سرمایه، حجم تولید و تکنولوژی، دو نوع تعریف کمی و کیفی از این کسب و کارها ارائه کرده‌است. بیش تر این تعاریف بر اساس معیارهای کمی مانند تعداد کارکنان و میزان گردش مالی مطرح شده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

در تعریف صنایع کوچک و متوسط در ایران اتفاق آرای کمی وجود دارد. وزارتخانه‌ها، مؤسسات مختلف، تعاریف متفاوتی را ارائه کرده‌اند. در تعاریف سازمان‌های مختلف، شاخص تعداد کارگران به صورت مشترک در نظر گرفته شده‌است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

بر اساس تعریف وزارت صنایع و معادن و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند (یونیدو، ۱۳۸۳: ۱۲۱). وزارت تعاون نیز بر حسب مورد، تعاریف وزارت صنایع و معادن و مرکز آمار ایران را درباره ی این صنایع به کار می‌برد. مرکز آمار ایران کسب و کارها را به چهار گروه تقسیم‌بندی کرده‌است: کسب و کارهای دارای ۱ تا ۹ کارکن، ۱۰ تا ۴۹ کارکن، ۵۰ تا ۹۹ کارکن و بیش از ۱۰۰ کارکن. هرچند این طبقه‌بندی ظاهراً شباهتی با تعاریف اتحادیه ی اروپا دارد، مرکز آمار ایران، فقط کسب و کارهای کمتر از ۱۰۰ نفر نیروی کار را بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شمرد و سایر

---

1- Small & Medium Enterprises

کسب و کارها را کارخانجات صنعتی بزرگ قلمداد می‌کند. بانک مرکزی ایران نیز کسب و کارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی می‌کند. در ایران، تا قبل از سال ۱۳۴۳، صنعت یا عبارت بود از صنایع بزرگ جدیدی که از دهه ی دوم قرن حاضر تأسیس آن‌ها در ایران آغاز شده بود و یا صناعی که از قرن‌ها قبل، نسل به نسل از قدیمی‌ترین صنعت‌گران به فرزندان آنان به ارث رسیده بود. صنعت ایران، صنعت دستی مانند بافندگی، ریسندگی‌های دستی، سفال‌گری، قفل و کلیدسازی و آهنگری و مهم‌تر از همه قالی‌بافی بود و صنعتی که به پیروی از کشورهای صنعتی به ایران وارد گردید، صنعت بزرگ بود. حد فاصل این دو صنعت، صنعتی بود که برای تأمین برخی نیازهای مصنوعات مدرن، در کشور ایجاد شده بود؛ مثل کارگاه‌های مکانیکی و تراشکاری و نظایر که تا حدی نیاز تعمیراتی یا اصلاحی برخی از ماشین‌های وارد شده از کشورهای صنعتی را برآورده می‌کرد. غیر از این‌ها، رشته‌ای که بتوان به عنوان صنعت کوچک به مفهومی که امروز در دنیای صنعتی بدان اشاره می‌شود، کمتر وجود داشت.

اولین اقدام برای ترویج و توسعه ی واحدهای صنعتی کوچک مدرن، از اواسط سال ۱۳۴۳ آغاز شد. در این سال، هیأت وزیران وقت با توجه به لزوم توسعه ی صنایع کوچک و متوسط، طرح اجرای برنامه‌های کمک مالی و تهیه ی تسهیلات کارخانه‌ای مدرن در قالب نواحی صنعتی یا زیربنای لازم، تصمیم به تأسیس سازمانی به نام «سازمان نواحی صنعتی» گرفت. سازمان مزبور، مسؤول اصلی طرح و تأسیس نواحی صنعتی در مناطق مختلف کشور شد و در همان زمان یک ناحیه ی صنعتی نمونه در اهواز با همکاری سازمان ملل تأسیس شد.

تجرباتی که طی چندسال فعالیت سازمان نواحی صنعتی به دست آمد، به یک تجدید نظر کلی درباره ی خط مشی توسعه ی صنایع کوچک انجامید. در سال ۱۳۴۷ دولت تصمیم گرفت سازمان جدیدی به نام «سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران»، با مسؤولیت بیش تر و حوزه ی عمل گسترده‌تر برای اجرای یک برنامه ی جامع توسعه ی صنایع کوچک، جایگزین سازمان نواحی صنعتی کند و این عامل اصلی طرح و اجرای همه گونه برنامه‌های کمک به صنایع کوچک کشور شد. این تغییر و تحول ادامه

داشت تا در حال حاضر که صنایع کوچک به عنوان بخشی از وزارت صنایع در حال فعالیت است (قره چه، ۱۳۷۷: ۸).

بررسی عملکرد صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران طی برنامه ی سوم توسعه در مقایسه با سال های برنامه ی دوم توسعه نشان دهنده ی این است که با افزایش نسبی تعداد صنایع متوسط، نقش این صنایع در صنعت ایران بیش تر شده است. براساس جدول شماره ی یک صنایع کوچک و متوسط (SMEs) در ایران در دوره ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۵، بیش از ۸۶ درصد از کل صنایع را به خود اختصاص داده است. جدول شماره ی یک - درصد صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در سال های ۱۳۸۳ تا

۱۳۸۵

سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
صنایع کوچک	%۷۵	%۷۶	%۷۵
صنایع متوسط	%۱۱	%۱۱	%۱۱
صنایع بزرگ	%۱۴	%۱۳	%۱۴

به دلیل اهمیت روزافزون بنگاه های کوچک و متوسط در رشد و اشتغال، مقاله ی حاضر به منظور بررسی تأثیر صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصاد استانی در ایران، در شش بخش تنظیم شد. بخش دوم به اهمیت اقتصادی این صنایع اختصاص یافت. در بخش سوم مروری اجمالی از پیشینه ی تحقیق ارائه و در بخش چهارم، چارچوب نظری مدل و داده ها تشریح شد. بخش پنجم به تخمین مدل و بخش ششم به نتیجه گیری اختصاص داده شد.

## ۲- اهمیت اقتصادی SMEs

### ۲-۱- سهم بنگاه های کوچک و متوسط در ایجاد فرصت های شغلی

موضوع ایجاد فرصت های شغلی در محدوده ی بنگاه های کوچک و متوسط برای اولین بار در ایالات متحده مورد توجه قرار گرفت. این مطلب در اواخر دهه ی ۱۹۷۰ به دلیل انتشار تحقیق دیوید بیرچ<sup>۱</sup> (۱۹۸۷)، بر روی بنگاه های کوچک و متوسط به شکل گسترده ای مطرح شد. او به این نتیجه رسید که بنگاه های بزرگ دیگر عامل اصلی ایجاد

کننده ی اشتغال در آمریکا نیستند؛ به طوری که اکثر شغل‌های جدید را بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌کنند (مجیدی، ۱۳۸۳).

بر اساس مطالعه ی اسنودگراس و بیگز<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)، بین بنگاه‌های تولیدی در کشورهای کم‌درآمد، اکثر بنگاه‌ها دارای مقیاس‌های کوچک و خرد هستند و تعداد کمی از بنگاه‌ها با مقیاس بزرگ در کنار بنگاه‌هایی با مقیاس کوچک و خرد وجود دارند. در حالی که، برای کشورهای با درآمد متوسط، بیش تر سهم تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی مربوط به بنگاه‌هایی با مقیاس متوسط است. در مجموع در کشورهای با درآمد سرانه ی بالا گرایش به سمت اندازه ی بنگاه‌های بزرگ تر وجود دارد.

صرف نظر از سطح توسعه ی یک اقتصاد، نسبت قابل توجهی از بنگاه‌های خرد و کوچک در بخش غیررسمی و یا اقتصاد سایه‌ای فعالیت می‌کنند. شنایدر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، اندازه ی بخش غیررسمی را در ۲۲ کشور در حال گذار<sup>۱</sup> (جماهیر شوروی سابق، اروپای مرکزی و شرقی) و در ۲۱ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه ی اقتصادی میان سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۲ مقایسه کرده و به این نتیجه رسید که سهم بخش غیررسمی در تولید ناخالص داخلی برای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه ی اقتصادی، اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای شرقی و مرکزی، به ترتیب حدود ۱۶.۷، ۲۹.۲ و ۴۴.۸ درصد است.

آیاگری و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۳)، در مطالعات تجربی خود برای ۵۴ کشور (۱۳ تا کم-درآمد، ۲۴ تا درآمد متوسط و ۱۷ تا پُر درآمد) نشان دادند که سهم اشتغال بنگاه‌های کوچک و متوسط از کل اشتغال از ۳۲ درصد در کشورهای کم‌درآمد به بیش از ۶۵ درصد در کشورهای پُر درآمد تغییر یافته است. هم‌چنین سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی از یک روند افزایشی برخوردار بوده‌است. مثلاً در کشورهای کم‌درآمد سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی، حدود ۱۵ درصد و در کشورهای پُر درآمد حدود ۵۲ درصد است. این نتایج نشان می‌دهد که افزایش سهم بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط در اشتغال، با افزایشی در سهم آنان در تولید ناخالص داخلی همراه بوده‌است.

---

1-Snodgrass & Biggs

2-Schneider

3-Ayyagari et al

با توجه به تأثیر سهم بخش غیررسمی در ایجاد اشتغال و تولید ناخالص داخلی، مشخص شده که در کشورهای کم‌درآمد، سهم بخش غیررسمی در اشتغال و تولید ناخالص داخلی، به ترتیب ۴۲ و ۴۷ درصد است که این وضعیت با سهم بخش غیررسمی در اشتغال و تولید ناخالص داخلی، برای کشورهای با درآمد بالا مقایسه شده که به ترتیب ۱۵ و ۱۳ درصد است.

براساس مطالعات آیاگری و همکارانش (۲۰۰۳)، در کشورهای کم‌درآمد سهم نسبی بنگاه‌های کوچک و متوسط در اشتغال و تولید ناخالص داخلی نسبت به بخش غیررسمی کمتر است؛ یعنی جایی که فقیرترین افراد، یک سطح حداقلی از زندگی را دارند. بنابراین، در کشورهای در حال توسعه ی تقدم با سیاست‌هایی است که موجب تفکیک بخش رسمی از بخش غیررسمی شود تا موجب توانمندسازی کشورهای فقیر برای مشارکت در بازارها و همچنین موجب گرایش این کشورها به سمت فعالیت‌های اقتصادی با ارزش افزوده ی بالا شوند.

به طور کلی، در بیش تر کشورهای در حال توسعه به منظور افزایش سهم بنگاه‌ها در ایجاد فرصت‌های شغلی، سرمایه‌های بیش تری به بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص داده شده است. به طوری که ۹۵ درصد از بنگاه‌ها در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه ی اقتصادی<sup>۱</sup>، بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند که ۶۰ تا ۷۰ درصد از ظرفیت‌های شغلی را ایجاد کرده‌اند. به عنوان مثال، در کشور اکوادور ۹۹ درصد از بنگاه‌های با تعداد ۵۰ کارکن هستند که ۵۵ درصد از سهم اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند (داوز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

## ۲-۲- کارآفرینی، نوآوری و بهره‌وری در SMEs

در دنیای متحول امروز، توجه به مقوله ی کارآفرینی در بین اقتصاددانان، دولت‌مردان و مردم عادی رواج یافته‌است. در نظریه ی توسعه ی اقتصادی (۱۹۳۴)، شومپیتر دیدگاه خود را متوجه نقش کارآفرین، به عنوان بازیگر نقشی مهم در بررسی عرصه ی تحول سرمایه‌داری، معطوف می‌دارد و در مکتب شیکاگو، نایت<sup>۳</sup> (۱۹۲۱) بر

---

1-Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD)

2-Dawes

3-Night

عملکرد کارآفرین تأکید ورزید نه بر شخصیت وی. به گفته ی نایت، کارآفرین کسی است که خود را در معامله و مبادله با هدف تأمین سود داخل می‌کند.

شرایط اقتصادی تأثیر مهمی بر شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینی دارد و در حالت عدم توسعه ی اقتصادی که بیکاری افزایش می‌یابد، کارگران به سمت خوداشتغالی سوق داده می‌شوند و بر عکس در زمان توسعه ی اقتصادی و رشد اقتصادی به دلیل ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش سوددهی در انواع صنایع، بیش تر کارگران به سمت شکل-دهی کسب و کارهای جدید سوق داده می‌شوند و صنایع کوچک و متوسط به دلیل نوع فعالیت‌شان وابستگی زیادی به منابع انسانی دارند و در واقع ابزار اصلی رقابت بین این صنایع بر اساس یک ایده ی نو و با تکیه بر منابع انسانی شکل می‌گیرد (داوز، ۲۰۰۵).

بر طبق مطالعات بیک و همکارانش (۲۰۰۵). صنایع کوچک و متوسط قادرند با استفاده از مقدار ناچیزی سرمایه در تحقیق و توسعه ی به ایجاد نوآوری در محصول در میزان های گوناگونی بپردازند؛ زیرا این بنگاه‌ها قادرند دستاوردهای تحقیقات دانشگاهی و نتایج تحقیق و توسعه (R&D) در صنایع بزرگ را با هزینه‌های بسیار کمی به دست آورند. در واقع، انگیزه ی نوآوری و ایجاد روش‌های جدید تولید در صنایع کوچک و متوسط بالا است و چون این صنایع فاقد توان و سرمایه کافی برای شروع یک طرح تولیدی در مقیاس بزرگ هستند در نتیجه رقابت بین بالا است. لذا می‌کوشند تا با ارائه ی یک روش جدید در تولید، فرآیندها و روش‌های قبلی تولید را بهبود بخشند و کارایی خود را افزایش دهند و یا محصولات جدیدی معرفی کنند تا از این طریق سهمی از بازار را به دست آورند و یا این که بازاری برای محصولات جدیدشان ایجاد کنند. به طور کلی، کارآفرینی و خلاقیت، جوهره ی وجودی و مبدأ فعالیت صنایع کوچک و متوسط است و به عنوان بخش بزرگی از دارایی‌های این صنایع محسوب می‌شود، از این رو توجه به آموزش مداوم و بالا بردن سطح دانش در میان این افراد یکی از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه و تقویت صنایع کوچک و متوسط است (مجیدی، ۱۳۸۳).

طبق تحقیقات کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه ی اقتصادی (۲۰۰۰)، درصد رشد بالای صنایع کوچک و متوسط از کل سهم رشد صنایع در بهترین حالت آن، ۵ یا ۱۰ درصد است که توانسته است نقش مهمی در رشد اقتصادی و نوآوری ایفا کند. این صنایع با استفاده از تازه واردانی که مجربان استثنایی در رابطه با ایجاد شغل و

نوآوری هستند برتری خود را نشان داده و این در حالی است که در اکثر کشورها، میزان ایجاد شغل توسط صنایع کوچک و متوسط از صنایع بزرگ بیشتر است.

اگرچه روسینبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۷۶ و ۱۹۸۶) و بامول<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) اشاره دارند که تکنولوژی‌های انتقال یافته از دیگر کشورها به عنوان محرکی مؤثر برای پیشرفت تکنولوژی در کشورهای درحال توسعه ی نوآور نیستند بحث درباره ی این مطلب که صنایع کوچک و متوسط در کشورهای درحال توسعه ی نقش مهمی از طریق عمل نوآوری بازی می‌کنند، کار مشکلی است. هرچند اکثر صنایع کوچک و متوسط پیشگام اتخاذ نوآوری نیستند و غالباً تکنیک‌های قدیمی‌تر را ترکیب کرده‌اند، در بیش تر اوقات این صنایع نسبت به صنایع بزرگ نوآورترند؛ مثلاً تحلیل‌ها نشان می‌دهد که صنایع کوچک در صنایع مهارت‌بر با تکنولوژی بالا مثل کامپیوتر، میزان نوآوری بالایی دارند. هم‌چنین بنگاه‌های بزرگ تر در صنایع سرمایه‌بر با تکنولوژی پایین مثل شیمی، صنایع غذایی و صنایع ماشینی نوآوری بالایی را دارا هستند(بیگز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). اما بعضی از محققین چون پاگانو و اسپیواردی<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) بر مزیت‌های صنایع بزرگ و به چالش کشاندن فرضیات اصولی طرفداران رشد SMEs تأکید دارند و معتقدند که صنایع بزرگ می‌توانند با استفاده از صرفه‌جویی‌های حاصل از مقیاس به آسانی هزینه‌های تمام شده مربوط به تحقیق و توسعه ی (R & D) خود را با اثرات بهره‌وری بالایی عهده‌دار شوند.

### ۳- مرور اجمالی بر مطالعات انجام شده در زمینه ی پژوهش

بیک و همکارانش (۲۰۰۲)، مطالعه‌ای با عنوان «SMEها، رشد و فقر» را درباره ی اثر صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی و کاهش فقر برای ۴۵ کشور انجام دادند. براساس نتایج این مطالعه، یک رابطه ی مثبت و قوی میان توسعه ی بنگاه‌های کوچک و متوسط و رشد اقتصادی وجود دارد.

---

1-Roseenberg  
2-Baumol  
3-Biggs  
4-Pagano & Schivardi



گبرمیدهین و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، مطالعه‌ای را با عنوان «نقش واحدهای کوچک کسب و کار در رشد اقتصادی و امحای فقر در ایالت وست ورجینیا غربی؛ یک تجزیه تحلیل تجربی» انجام دادند. آنان در این مطالعه دریافتند که رابطه‌ای مثبت بین اندازه‌ی نسبی فعالیت‌ها و رشد اقتصادی و همچنین رابطه‌ای معکوس بین اندازه نسبی کسب و کارهای کوچک و وقوع فقر وجود دارد. نتایج این مطالعه ارتباط بین توسعه‌ی کسب و کارهای کوچک، رشد اقتصادی و کاهش فقر را تأیید می‌کند.

مطالعه‌ی وینستون داوز (۲۰۰۵) درباره‌ی تأثیر بنگاه‌های کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی و کاهش فقر برای دوره‌های زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۰ برای آمریکای لاتین و منطقه‌ی کارائیب بوده‌است. نتایج مطالعه‌ی او نشان می‌دهد که در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی و کاهش فقر تأثیر مثبت و قوی ندارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که قدرت اقتصادی بخش صنایع کوچک و متوسط در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب می‌تواند با پیشرفت در محیط کسب و کار و کاهش در نابرابری درآمدی، بالا رود.

خادم محمدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی نقش صنایع کوچک و متوسط در رشد اقتصادی ایران» به مقایسه‌ی عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ در توسعه‌ی صنعتی ایران و مقایسه‌ی تأثیر رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط با تأثیر رشد بنگاه‌های بزرگ بر رشد اقتصادی ایران پرداخت. براساس نتایج این بررسی، صنایع کوچک و متوسط در ایران، علی‌رغم تعداد غالب بنگاه‌ها و شاغلان آن، در بیش‌تر شاخص‌ها در مقایسه با صنایع بزرگ، عملکرد ضعیفی داشته‌اند. همچنین نتایج، حاکی از اثر مثبت رشد صنایع کوچک و متوسط و صنایع بزرگ بر رشد اقتصادی ایران بوده و اثر رشد صنایع بزرگ بیش‌تر از صنایع کوچک و متوسط بوده‌است.

#### ۴- چارچوب نظری مدل و معرفی داده ها

##### ۴-۱- ارائه ی مدل

برای بررسی تأثیر SME ها بر رشد اقتصادی، از مدل رشد نئوکلاسیکی سولو-سوان استفاده می کنیم:

$$Y = K^\alpha (AL)^{1-\alpha} \quad (1)$$

که در آن  $Y$  تولید،  $K$  سرمایه ی فیزیکی،  $L$  نیروی کار و  $A$  سطح تکنولوژی و  $\alpha$  عامل کشش تولیدی نهاده سرمایه و بین صفر و یک است. نیروی کار و تکنولوژی با نرخهایی ثابت به ترتیب  $n$  و  $g$  رشد می کنند. تابع کاب داگلاسی (۱) را می توان با تقسیم کردن طرفین بر  $AL$  به صورت زیر نوشت:

$$y = k^\alpha \quad (2)$$

که  $y = Y/AL$  تولید هر واحد عامل مؤثر نیروی کار و  $k = K/AL$  مقدار سرمایه ی هر واحد عامل مؤثر نیروی کار است. مدل رشد سولو را می توان از معادله ی ۲ استنتاج کرد<sup>۲</sup> (رومر، ۲۰۰۶ و داووز، ۲۰۰۵). البته این مدل دارای کمبودهایی بود که برای رفع آن ها، مدل تکمیل شده ی سولو پیشنهاد شد که شامل سرمایه ی انسانی و فیزیکی می شود. مطالعات تجربی نشان می دهند که مدل رشد تعمیم یافته ی سولو<sup>۱</sup>، تفسیر خوبی را از داده های مقطعی کشورها ارائه می کند. مدل تعمیم یافته ی سولو به شکل زیر است:

$$y = k^\alpha H^\beta (AL)^{1-\alpha-\beta} \quad \alpha + \beta < 1 \quad (3)$$

که در آن  $H$  سرمایه ی انسانی،  $A$  بیان کننده ی سطح تکنولوژی و  $L$  ذخیره ی نیروی کار است. معادله ی ۴ به صورت سرانه ی مؤثر به صورت زیر است:

$$y = k^\alpha h^\beta \quad (4)$$

$$h = \frac{H}{AL}, \quad k = \frac{K}{AL}, \quad y = \frac{Y}{AL}$$

حال بر اساس قانون حرکت (پویایی)  $H$  و  $K$  داریم:

$$\dot{k}_t = s_k y_t - (n + g + \sigma_k) k_t$$

$$\dot{h}_t = s_h y_t - (n + g + \sigma_h) h_t$$

$s_h, s_k$  درصدی از تولید است که در  $K$  و  $H$  سرمایه‌گذاری می‌شود.  $A$  و  $L$  در نرخ‌های برونزا (به ترتیب)  $g$  و  $n$  رشد می‌کنند. نرخ استهلاک  $H$  و  $K$  برابر  $\sigma_h, \sigma_k$  و برونزا است. براساس فرض بازدهی نزولی عوامل تولید، هر اقتصاد به ارزش‌های  $h, k$  در سطح پایدارشان یعنی  $h^*$  و  $k^*$  دست پیدا خواهد کرد که در این سطح  $\dot{h} = \dot{k} = 0$

خواهد بود. پس با قرار دادن  $h, k$  برابر با صفر، مقادیر متغیرهای اصلی در سطح پایدار به دست می‌آید. با جایگزین کردن آن‌ها در تابع تولید و گرفتن لگاریتم، معادله‌ی رشد (۵) به دست می‌آید که نشان می‌دهد تولید به رشد جمعیت و انباشت سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی بستگی دارد.

$$\ln \left[ \frac{Y(t)}{L(t)} \right] = \ln A(0) + gt - \frac{\alpha + \beta}{1 - \alpha - \beta} \ln(\alpha + g + \delta) + \frac{\alpha}{1 - \alpha - \beta} \ln(sk) + \frac{\beta}{1 - \alpha - \beta} \ln(sh) \quad (5)$$

طبق مطالعات داووز (۲۰۰۵)، لوین، کانت و بیک<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) توسعه‌ی صنایع کوچک و متوسط را می‌توان از طریق تعمیم تابع تولید، در چارچوب نئوکلاسیکی قرار داد. به عبارت دیگر، متغیر سرمایه‌ی انسانی مکانیزمی است که از طریق آن SME به مدل نئوکلاسیکی تعمیم یافته وارد می‌شوند. بر اساس این فرض که سرمایه‌ی انسانی فعالیت‌هایی چون کارآفرینی، نوآوری و انتقال دانش را در برمی‌گیرد، از این‌رو، معادله‌ی ۶ در مطالعات تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد:

$$y_{i,t} - y_{i,t-1} = \alpha y_{i,t-1} + \beta SME_{i,t} + \gamma X_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (6)$$

که  $y_t$  لگاریتم سرانه‌ی تولید واقعی و کل عبارت سمت چپ رشد اقتصادی است،  $SME_i$  تعداد صنایع کوچک و متوسط هر استان برحسب تعداد کارکنان،  $X_i$  مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل، شامل اعتبارات (اعتبارات واگذار شده به

1-Levine, Kunt & Beck

هر استان)، آموزش (دانش‌آموزان دوره ی متوسطه استان)، زیرساخت‌ها (تعداد تلفن در استان) و تورم استانی و  $\epsilon$  جزء اخلاص است.

#### ۲-۴- معرفی داده‌ها

یکی از متغیرهای توضیحی مطالعه ی حاضر، تعداد صنایع کوچک و متوسط بر حسب کارکنان است که طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ دارای روند نزولی (به ترتیب ۱۴۳۶۸ و ۱۴۰۳۶ و ۱۴۰۰۸) بوده‌است. یکی از علت‌های این روند نزولی را می‌توان کاهش سهم این صنایع از اعتبارات دانست. براساس داده‌ها، سهم صنایع کوچک و متوسط از اعتبارات در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۳، به ترتیب ۴ درصد و ۱ درصد کاهش یافته‌است.

بیش‌ترین تعداد صنایع کوچک و متوسط کشور در استان تهران (با سهمی معادل ۲۷.۸) درصد متمرکز است و استان اصفهان با سهمی برابر ۱۵.۱۱ درصد بعد از استان تهران قرار دارد؛ درحالی‌که استان ایلام با سهم ۰.۲۲ درصد و استان کهگیلویه و بویراحمد با سهم ۰.۲۴ درصد کمترین سهم را دارا هستند. بالاترین سهم دریافت اعتبارات از کل اعتبارات کشور در سال ۱۳۸۳، مربوط به استان تهران با ۵۱.۹۷ درصد است و استان اصفهان با سهمی به مقدار ۶.۸۵ درصد بعد از تهران قرار دارد. کمترین سهم دریافت اعتبارات مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد با ۰.۳۹ درصد است.

در سال ۱۳۸۴ تعداد صنایع کوچک و متوسط برابر با ۱۴۰۳۶ است. سهم استان تهران با کمی کاهش نسبت به سال قبل به ۲۶.۸۱ درصد و سهم استان اصفهان با کمی افزایش نسبت به سال قبل، ۱۵.۸۰ درصد رسیده‌است که به ترتیب بالاترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. این درحالی است که استان ایلام و کهگیلویه و بویراحمد با سهمی کمتر از سال قبل به میزان ۰.۱۹ و ۰.۲۰ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند. هم‌چنین بالاترین سهم دریافت اعتبارات از کل اعتبارات کشور در سال ۱۳۸۴، همانند سال ۱۳۸۳ مربوط به استان تهران و اصفهان و کمترین سهم اعتبارات مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد است.

در سال ۱۳۸۵ تعداد این صنایع معادل ۱۴۰۰۸ است که سهم استان تهران با کمی افزایش نسبت به سال قبل به ۲۷.۷۵ درصد رسیده و تقریباً با سال ۱۳۸۳ برابر است؛ ولی سهم استان اصفهان با کمی کاهش نسبت به سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴، برابر با

۱۴.۵۷ درصد است که به ترتیب بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که سهم استان ایلام و کهگیلویه و بویراحمد نسبت به سال ۱۳۸۴ تغییری نکرده ولی نسبت به سال ۱۳۸۳، کمی کاهش یافته است. هم‌چنین بالاترین سهم دریافت اعتبارات از کل اعتبارات کشور در سال ۱۳۸۵، همانند سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ مربوط به استان تهران و اصفهان و کمترین سهم اعتبارات مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد است.

در امر آموزش (به پیروی از مطالعاتی چون بارو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱ و بالیامون-لوتز و مک گیلیواری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷) تعداد دانش‌آموزان دوره ی متوسطه ی استان به عنوان جایگزین برای سرمایه ی انسانی در نظر گرفته‌شد. استان تهران و اصفهان به ترتیب با سهمی برابر با ۱۸.۶۸ و ۶.۷۵ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند؛ درحالی‌که استان سمنان با سهمی معادل ۰.۸۵ درصد، کمترین سهم را داراست. در سال ۱۳۸۴، هم‌چنان استان‌های تهران و اصفهان بالاترین سهم را دارا می‌باشند، درحالی‌که استان‌های سمنان و کهگیلویه و بویراحمد در پایین‌ترین رده قرار دارند. در سال ۱۳۸۵، استان تهران هم چنان در رده ی اول و استان فارس بعد از استان تهران قرار دارد؛ درحالی‌که استان سمنان در پایین‌ترین رده قرار دارد.

در سال ۱۳۸۳، در امر زیرساخت‌ها، بالاترین سهم به مقدار ۲۶.۰۴ درصد مربوط به استان تهران است و استان خراسان با سهمی برابر با ۱۱.۱۵ درصد بعد از تهران قرار دارد. کم ترین سهم معادل ۰.۶۶ و ۰.۶۷ درصد به ترتیب مربوط استان‌های چهارمحال بختیاری و ایلام است. در سال ۱۳۸۴، در زیرساخت‌ها هم‌چنان بالاترین سهم به استان‌های تهران و خراسان و کمترین به استان‌های چهارمحال و ایلام تعلق دارد. در سال ۱۳۸۵، بالاترین سهم در زیرساخت‌ها مربوط به استان‌های تهران و آذربایجان شرقی است که سهم استان تهران نسبت به سال ۱۳۸۴ تغییری نداشته ولی در مقایسه با سال ۱۳۸۳ کاهش یافته و به ۲۰.۲۷ درصد رسیده است. استان آذربایجان شرقی با سهمی برابر با ۶.۰۹ درصد بعد از استان تهران در رده ی دوم قرار دارد؛ در حالی‌که استان‌های ایلام و چهارمحال بختیاری در پایین‌ترین رده قرار دارند.

---

1-R.J.Barro

2-M.Balioune-Lutz and McGillivray

در ارتباط با تورم استانی در سه سال ۱۳۸۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب استان های فارس (۱۹.۳ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۱۵.۳ درصد) و ایلام و خراسان (۱۵.۴ درصد) در بالاترین رده بندی قرار دارند؛ در حالی که در این سال ها گیلان (۱۱.۳ درصد)، آذربایجان شرقی (۹.۳ درصد)، و بوشهر (۹.۶ درصد) دارای کمترین میزان تورم بوده اند.

## ۵- تخمین مدل و نتایج آن

در این قسمت به تخمین مدل تجربی ارائه شده در قسمت قبل و تجزیه و تحلیل نتایج آن می پردازیم؛ با تأکید بر این که در مطالعه ی حاضر، SME بیان کننده ی تعداد صنایع کوچک و متوسط هر استان برحسب تعداد کارکنان است. از آن جاکه داده های مورد استفاده در سطح استان های ایران و برای دوره ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۵ است با داده های مقطعی - سری زمانی روبه رو هستیم.

در مرحله ی اول، برای تشخیص این که مدل با اثرات ثابت و یا با اثرات تصادفی است از آزمون های چاو، آزمون ضریب لاگرانژ و در صورت متفاوت بودن جواب این دو آزمون، از آزمون هاسمن استفاده شده است.

در آزمون چاو فرضیه ی  $H_0$  به معنای وجود داده های تلفیقی است که از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)<sup>۱</sup> برای تخمین مدل استفاده می شود و رد فرضیه ی  $H_0$  به معنای وجود مدل اثرات ثابت<sup>۲</sup> است که در برآورد آن از روش حداقل مربعات معمولی با استفاده از متغیر مجازی (LSDV)<sup>۳</sup> استفاده می شود. نتایج به دست آمده از آزمون چاو در جدول شماره ی دو بیان کننده ی رد فرضیه ی  $H_0$  و وجود مدل اثر ثابت است.

در آزمون ضریب لاگرانژ، فرضیه ی  $H_0$  به معنای وجود داده های تابلویی و رد فرضیه ی  $H_0$  به معنای وجود مدل اثر تصادفی است. نتایج حاصل، بیان کننده ی عدم رد فرضیه ی  $H_0$  است.

---

1-Ordinary Least Square

2-Fixed Effect Model

3-Least Square Dummy Variable

جدول شماره ی دو - نتایج آزمون های چاو، ضریب لاگرانژ و هاسمن

نوع آزمون	آماره کای دو	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون چاو	۱۶.۰۱	۰.۰۰	مدل اثر ثابت (استفاده از داده‌های تابلویی)
آزمون ضریب لاگرانژ	۰.۲۵	۰.۶۰	مدل داده های تلفیقی
آزمون هاسمن	۷۲.۶۷	۰.۰۰	مدل اثر ثابت

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق جدول شماره ی دو، نتایج این دو آزمون متفاوت هستند. بنابراین، در این جا سؤالی پیش می‌آید که چگونه باید مدل داده‌های تلفیقی و مدل اثر ثابت یکی را انتخاب کنیم؟ این مسأله را می‌توان با استفاده از آزمون هاسمن حل کرد. طبق این آزمون، فرضیه ی  $H_0$  به معنای وجود مدل اثر تصادفی است و رد فرضیه ی  $H_0$  به معنای وجود مدل اثر ثابت و رد مدل اثر تصادفی است. پس طبق نتایج این آزمون در جدول شماره ی دو، فرضیه ی  $H_0$  رد می‌شود و ما با مدلی با اثر ثابت روبه رو هستیم. بنابراین، مدل مورد بررسی با روش حداقل مربعات معمولی با استفاده از متغیر مجازی (LSDV) برازش شد که نتایج آن در جدول شماره ی سه ارائه شده است.

بر اساس نتایج، ضریب صنایع کوچک و متوسط با اندازه ی  $0/008$  بیان کننده ی اثر مثبت و معنادار این متغیر بر رشد اقتصادی استان‌های کشور است که دلایل این تأثیرگذاری مثبت را می‌توان در انگیزه ی بالای نوآوری و ایجاد روش‌های جدید تولید در این بنگاه‌ها دانست؛ چون این بنگاه‌ها فاقد توان و سرمایه ی کافی برای شروع یک طرح تولیدی بزرگ هستند، در نتیجه رقابت میان آن‌ها بالا است. لذا مالکین این بنگاه‌ها می‌کوشند تا با ارائه ی یک روش جدید در تولید، کارایی خود را بالا ببرند و از این طریق، سهمی بیش‌تر از بازار را به دست آورند و یا این‌که بازاری جدید را برای محصولاتشان ایجاد کنند؛ در نتیجه موجب بهبود رشد اقتصادی کشور می‌شوند. همچنین این بنگاه‌ها توانسته‌اند با ایجاد ظرفیت‌های شغلی بالا، ترکیب و ساختار اشتغال را در کشور دگرگون کنند.

### جدول شماره ی سه - نتایج تخمین مدل با روش LSDV

سطح معناداری	ضریب	متغیرهای توضیحی
۰/۰۵۰	۰/۰۰۸	SME
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۵	اعتبارات
۰/۰۴۱	-۸/۰۸۰	لگاریتم تولید ناخالص داخلی در سال پایه
۰/۷۵	۰/۰۰۰۱	زیر ساخت ها (تلفن)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۲	آموزش
۰/۰۴۳	-۰/۵۰۰	تورم
۰/۰۰۰	۵/۲۷۰	متغیر مجازی <sup>1</sup>
۰/۰۰۷	-۲۹/۸۸	عرض از مبدأ
$R^2 = ۰/۶۹$		$F = ۷/۴۹$

براساس مدل‌های رشد، اعتبارات یکی از مهم‌ترین منابع افزایش رشد اقتصادی است. بر اساس جدول شماره ی سه، رابطه میان اعتبارات و رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. به طوری که یک واحد افزایش در سهم اعتبارات از کل، موجب افزایش ۰/۰۰۰۵ درصدی در رشد اقتصادی می‌شود. این ارتباط مثبت در مبانی نظری تأیید شده است. براساس مکینون و شاو<sup>۱</sup> (۱۹۷۳)، بخش اعتبارات از دو جنبه دارای اهمیت است؛ از یک طرف موجب هدایت پس‌انداز به سمت سرمایه‌گذاری می‌شود که این خود موجب افزایش رشد تولید می‌شود و از طرف دیگر، به گفته ی کینگ و لوین<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) توسعه ی بخش اعتبارات بر کلیه ی عوامل بهره‌وری، از جمله سطح تکنولوژی تأثیر می‌گذارد که خود رشد بالاتر تولید در بلندمدت را در بردارد.

یکی از الگوهایی که از اوایل دهه ی ۱۹۸۰ در مبانی نظری رشد و توسعه ی اقتصادی تحول جدی ایجاد کرد، بر سرمایه‌گذاری انسانی و توسعه ی توانمندی‌های مردم تأکید دارد. پیش بینی این قبیل الگوها معطوف به این نکته است که کشورهای می‌توانند به سطح قابل قبولی از توسعه برسند که در توسعه ی توانمندی‌های مردم به ویژه آموزش سرمایه‌گذاری کرده باشند. اهمیت این عامل کلیدی از آن جهت است که در طول فرایند توسعه ی اقتصادی - اجتماعی، مبانی تولید متحول می‌شود و اساسی-

1-Mckinnon and Shaw

2-king & Levine



ترین عامل در این تحول، معطوف به علوم و فناوری جدید است. بر اساس نتایج، رابطه ی مثبت و معنی داری بین سرمایه‌گذاری آموزشی و رشد اقتصادی معادل ۰/۰۰۰۳ وجود دارد. یعنی، با افزایش یک نفر به دانش‌آموزان دوره ی متوسطه، رشد اقتصادی ۰/۰۰۰۳ درصد افزایش می‌یابد.

در متون مربوط به رشد، معمولاً به ارتباط منفی میان تورم و رشد اقتصادی تأکید می‌کنند. در این متون، معمولاً به ارتباط تورم و رشد اقتصادی به دو روش می‌پردازند: یکی سطح تورم و دیگری تغییرپذیری تورم. در رابطه با مقوله ی اول بیان می‌شود که تورم به عنوان مالیات بر سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود؛ بنابراین سطوح بالای تورم، سودآوری مورد نیاز برای اجرای یک پروژه ی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و در کل اثری منفی بر انباشت سرمایه ی مادی و رشد اقتصادی خواهد داشت. از طرفی گروهی خاطرنشان کرده‌اند که افزایش در نرخ تورم به افزایش هزینه ی نگهداری پول می‌انجامد و با تأثیر خود بر جانشینی میان پول و دیگر دارایی‌ها در موجودی اوراق بهادار<sup>۱</sup> افراد تغییر ایجاد می‌کند و موجب افزایش خرید و فروش کالاهای بادوام و رشد قیمت این کالاها و افزایش در نرخ بهره می‌شود.

هم‌چنین به دلیل ساختار اقتصادی، سیاسی و حکومتی تورم به وجود می‌آید. این تورم خاص کشورهای توسعه نیافته و درحال توسعه است و به تورم ساختاری معروف است. در ایران یکی از دلایل تورم، نبود زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی، کسری مداوم بودجه ی دولت، گستردگی خدمات نامتناسب با وضعیت خاص کشور به خصوص در سرویس‌دهی به بخش دولتی است. بر اساس نتایج، یک واحد افزایش در نرخ تورم، رشد اقتصادی کشور به اندازه ی ۰/۵ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به تخمین صورت گرفته، آماره ی  $F=7/49$  بیان‌کننده ی معناداری کل رگرسیون است. هم‌چنین ضریب تعیین ( $R^2$ ) به دست آمده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی مدل ۶۹ درصد از واریانس متغیر رشد اقتصادی را توضیح می‌دهند.

## ۶- نتیجه گیری

یکی از راه‌های توسعه ی صنعتی که در سال‌های اخیر مورد توجه کشورهای در حال توسعه ی و حتی توسعه یافته قرار گرفته، روی آوردن به کوچک سازی صنایع و اتکا به گسترش صنایع کوچک و متوسط به عنوان موتور توسعه ی صنعتی و اقتصادی است. براساس گزارش یونیدو، ساختار ارزش افزوده ی صنعتی ایران طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۵ از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بوده است که این امر می‌تواند بر تغییرات ساختاری در بخش صنعت کشور در سال‌های اخیر دلالت داشته باشد. بررسی عملکرد صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در اقتصاد ایران طی برنامه ی سوم توسعه ی در مقایسه با سال‌های دوم توسعه ی نشان‌دهنده ی این است که با افزایش نسبی تعداد صنایع متوسط، نقش این صنایع در خروجی صنعت بیش تر شده است که این امر می‌تواند بیان کننده ی ترمیم ساختار صنعتی از نظر الگوی توزیع بنگاه‌ها باشد.

به دلیل اهمیت روزافزون بنگاه‌های کوچک و متوسط در رشد و اشتغال در جهان و کشور، تأثیر صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصاد استانی در ایران، با استفاده از داده‌های ترکیبی دوره ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۵ بررسی شده است. برای بررسی از مدل تعمیم یافته ی سولو و روش برآورد مدل‌های اثرات ثابت استفاده کردیم.

نتایج حاصل از برازش مدل نشان می‌دهند که صنایع کوچک و متوسط تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی استان‌های کشور دارند که این تأثیرگذاری را می‌توان در انگیزه ی بالای نوآوری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و دگرگون کردن ترکیب و ساختار اشتغال دانست. اعتبارات نیز اثری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارند که علت این تأثیرگذاری را می‌توان در این دانست که بخش اعتبارات از یک طرف موجب هدایت پس‌انداز به سمت سرمایه‌گذاری می‌شود و از طرف دیگر، بر کلیه ی عوامل بهره‌وری از جمله سطح تکنولوژی تأثیر می‌گذارد.

آموزش از جمله عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است که در برازش مدل لحاظ شد. نتایج به دست آمده نشان دهنده ی اثر مثبت و معنادار آموزش بر رشد اقتصادی است. تورم در هر کشور دلایل متفاوتی دارد. از علل تورم در ایران، نبود زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی، کسری بودجه ی مداوم دولت، افزایش نقدینگی بدون پشتوانه ی تولید و... است که براساس مبانی نظری مدل‌های رشد، رابطه ی آن با رشد

اقتصادی منفی است. طبق نتایج حاصل، با یک واحد افزایش در نرخ تورم، رشد اقتصادی استان‌های کشور به اندازه ۰.۵ درصد کاهش می‌یابد. امروزه، مشاغل خانگی از اهمیت زیادی برخوردار است. بسیاری از زنان و مردان می‌توانند در منزل به کسب درآمد بپردازند. داشتن قابلیت بیش تر در ایجاد اشتغال، توانایی جذب سرمایه‌های محدود و پراکنده ی جامعه، ایجاد زمینه بیش تر برای مشارکت بخش خصوصی، بازگشت سریع سرمایه و زودبازده بودن و سرمایه‌بری کمتر و اشتغال‌زایی بیش تر از مزایای بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط است. توسعه ی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که معمولاً با اشتغال کمتر از ۱۵۰ کارگر ایجاد می‌شود می‌توانند نسخه ی شفاف‌بخش حل بخشی از معضلات بیکاری کشور باشد. واحدهای تولیدی کوچک و متوسط اگرچه به تولید کالاهای پیچیده اقدام نمی‌کنند، این واحدها که معمولاً با نگاه بومی گسترش می‌یابند می‌توانند به توسعه ی اقتصادی و ایجاد اشتغال در کشور کمک کنند.

هم‌چنین گسترش این واحدها با در نظر گرفتن شرایط بومی و منطقه‌ای هر استان می‌تواند سبب افزایش تولید بیشتر و کاهش بی‌کاری در استان شود. از این‌رو، دولت باید راهکارهایی اتخاذ کند که براساس آن، بستر مناسبی برای رشد و توسعه ی بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد شود.

### یادداشت ها:

- ۱- کشورهایی که اقتصاد آن ها از اقتصاد سوسیالیزم به اقتصاد لیبرالیزم تغییر کرده یا به عبارت دیگر، کشورهایی که اقتصاد آن ها از اقتصاد متمرکز به سمت اقتصاد باز در حال تغییر است.
- ۲- برای مشاهده ی بسط کامل مدل به کتاب اقتصاد کلان پیشرفته ی رومر (۲۰۰۶) و مقاله ی وینستون داوز (۲۰۰۵) رجوع شود.

### منابع و مأخذ

- Ayyagari, M. Beck, T. and Demirguc-kunt (2003) *Small and Medium Enterprises Across the Globe: A New Database*, World Bank, Washington, DC.
- Beck, T, Demirguc-Kunt, A, and Levine, R. (2003) *SMEs, Growth and Poverty: Cross-Country Evidence*, World Bank, Working Paper.
- Biggs, T. (2002) *Is Small Beautiful and Worthy of Subsidy? Literature Review*, IFC mimeo, Washington D.C.
- Romer, D, (2000) *Advance Macroeconomics*, Third edition
- Dawes Winston (2005) *The Economic Impact of Small and Medium-Size Enterprise: A Cross-Country Analysis of Latin America and the Caribbean*, Howard University.
- Gebremeskel,H. Gebremariam, Tesfa G.Gebremedhin and Randall W.jackson (2004) *The role of Small Business in Economic Growth and Poverty Alleviation in West Virginia:An Empirical Analysis*.
- Ghereche, Manije (1377) *Small Enterprises and Its Role on Iran Economy*, Tehran: Business Observation and Researches Institution (In Persian).
- Kahzadi, Norouz and Dehghan Dehnavi, Mohamad Ali (1384) *The Credit Polices Defend Of SME For Job Creation*, Iranian Export Development Bank (In Persian).
- Khadem Mohammadi, Zahra(1385) *Investigation of Small and Medium Enterprise Role in Economic Growth in Iran* (In Persian).
- Majidi, Jahangir (1383) *Small Enterprise Role In Modern Economics*, Rasa Cultural Service Institution (In Persian).
- OECD (2000) *Small Businesses, Job Creation and Growth: Facts, Obstacles and Best Practices*, Available in [www.oecd.org](http://www.oecd.org).
- Pagano.P. and F. Schivardi, (2001) *Firm Size Distribution and Growth*, Working Paper.
- Schneider, F. (2003) «the Size and Development of The Shadow Economies and Shadow Economy Labor Force of 22 Transition and

21 OECD Countries: What Do We Really Know?» in *Boyon Belev* , editor, *The Informal Economy in The Eu Access Countries*:

- Snodgrass, D. and , Biggs (1996) *Industrialization and the Small Firm: Patterns and policies*. San Francis Co. International Center for conomic Growth.
- Thorsten Beck, Asli Demirguc-Kunt and Ross Levine, (2002), *Small and Medium Enterprises, Growth and Poverty, Word Bank Policy Research Working Paper Word Bank policy Research Working Paper 3178*.